

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

# ناموس

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می فرماید:

پوشیدگی زن به حالش بهتر است و زیبایی‌اش  
را پایدارتر می‌سازد.



سازمان اوقاف امور خیریه  
معاونت فرهنگی

ناشر: معاونت فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه  
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه بزرگ قرآن کریم

قطع: جیبی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۱

شمارگان: ۴۰۰۰۰ نسخه

سایت سازمان: [www.awqaf.ir](http://www.awqaf.ir)

سایت معاونت: [www.mfso.ir](http://www.mfso.ir)

سایت مجتمع: [www.mfpo.ir](http://www.mfpo.ir)

آدرس: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، سازمان اوقاف و

امور خیریه، معاونت فرهنگی

آدرس مجتمع: قم، خیابان صفاییه، کوچه ممتاز، کوی

۷، پلاک ۳۲ مجتمع فرهنگی پژوهشی معاونت فرهنگی

سازمان اوقاف و امور خیریه

تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۴۶۴۳۱-۰۲۵۱، شماره: ۷۷۳۷۱۳۱-۰۲۵۱

## زن در اسلام چه جایگاهی دارد؟

زن در اسلام، همان مقام شامخ انسان را دارد؛ زیرا زن و مرد در انسان بودن تفاوتی ندارند. در قرآن آیه ای نیست که زن را به خاطر زن بودن نکوهش کرده باشد. زن یا مرد بودن به تنهایی ارزش و عیار برتری محسوب نمیشود؛ بلکه رعایت پرهیزکاری ملاک برتری هر یک از زن و مرد معرفی شده است. خداوند میفرماید: «ای مردم! ما شما را از زن و مرد آفریدیم و شما را گروه گروه و قبیله قبیله قرار دادیم تا شناخته شوید. ارزشمندترین شما نزد خدا پرهیزکارترین افراد است...» حجرات/۱۳



## حکمت پوشش اسلامی چیست؟

اسلام در باب حجاب، پوشش معین نکرده است، بلکه مقصود را معین کرده است. مقصود این است که دیدار زن و مرد و ملاقات طبیعی آنها به صورت روزمره، تبدیل به یک عامل تحریک نشود و این، هدف اسلام است.<sup>۱</sup>

**پوشش زن در اسلام**، این است که زن در معاشرت خود با مردان بدن خود را بیوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد.<sup>۲</sup>

۱. رهبر معظم انقلاب.

۲. شهید مطهری، مسأله حجاب.

## حجاب از کجا سرچشمه می گیرد؟

حجاب در اسلام از یک مسأله کلی‌تر و اساسی‌تری ریشه می‌گیرد و آن این است که اسلام می‌خواهد انواع التذاذهای جنسی، چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر، به محیط خانوادگی و در قالب ازدواج قانونی اختصاص یابد؛ **اجتماع**، منحصرأً برای کار و فعالیت باشد. برخلاف سیستم غربی عصر حاضر که کار و فعالیت را با لذت جویی‌های جنسی به هم می‌آمیزد، ولی اسلام می‌خواهد این دو محیط را کاملاً از یکدیگر تفکیک کند.<sup>۳</sup>

۳. همان.



## آب را گل نکنیم و راه خود و دیگری را غبارآلود نکنیم!

قانون و توصیهٔ اسلام این است که: فضای عمومی و ملأ عام، باید عادی، آرام و انسانی باشد تا همه، به تمام کارهای خود رسیدگی کنند. هیچ کس حق ندارد راه یا ذهن یا دل کسی را بگنداند و آلوده کند. فضای عمومی باید پاک و بهداشتی باشد تا دل‌های پاک و آسوده، گرفتار هوس و شهوت نشود. فضای جامعه باید پاک و انسانی باشد تا مردهای خانواده دار، دنبال نیازهای خانه و خانواده و جامعه باشند.

در یک کلام: نباید با برخی از رفتارها، گردی به پا کرده و دل کسی آلوده شود. همانگونه که سیگار کشیدن در فضای عمومی، بهداشت بدن دیگران را به خطر می‌اندازد، قطعاً بدحجابی و آشکار نمودن زیباییهای زنانه یا مردانه، روح و روان جوان، نوجوان بلکه مردهای همسر دار را غبارآلود نموده، حرکت در مسیر زندگی پاک و حرکت در جهت فعالیت های علمی و اقتصادی



را منحرف یا کُند خواهد نمود.

### بحث و جدل بر سر چیست؟ ادعای اصلی و واقعی کدام است؟

در مسأله پوشش (حجاب)، سخن در این نیست که آیا زن خوب است پوشیده در اجتماع ظاهر شود یا عریان؟ روح سخن در این است که آیا زن و تمتعات مرد از زن باید رایگان باشد؟ آیا مرد باید حق داشته باشد که از هر زنی در هر محفلی حداکثر تمتعات را به استثناء زنا ببرد یا نه؟ اسلام که به روح مسائل می‌نگرد جواب می‌دهد: خیر، مردان فقط در محیط خانوادگی و در چارچوب قانون ازدواج و همراه با یک سلسله تعهدات سنگین می‌توانند از زنان به عنوان همسران قانونی کامجویی کنند، اما در محیط اجتماع استفاده از زنان بیگانه ممنوع است.

درست است که صورت ظاهر مسأله این است که زن چه بکند؟ پوشیده بیرون بیاید یا



عربان؟ و احياناً مسأله با لحن دلسوزانه‌ای طرح می‌شود که آیا بهتر است زن آزاد باشد یا محکوم و اسیر و در حجاب؟ اما روح مسأله و باطن مطلب چیزی دیگر است و آن اینکه: آیا مرد باید در بهره‌کشی جنسی از زن، جز از جهت زنا، آزادی مطلق داشته باشد یا نه؟ یعنی آنکه در این مسأله ذی‌نفع است، مرد است نه زن؛ و لاقلاً مرد از زن در این مسأله ذی‌نفع‌تر است.

از نظر اسلام محدودیت کامیابی‌های جنسی به محیط خانوادگی و همسران مشروع، از جنبه روانی به بهداشت روانی اجتماع کمک می‌کند و از جنبه خانوادگی سبب تحکیم روابط افراد خانواده و برقراری صمیمیت کامل بین زوجین می‌گردد و از جنبه اجتماعی موجب حفظ و استیفاء نیروی کار و فعالیت اجتماع می‌گردد و از نظر وضع زن در برابر مرد، سبب می‌گردد که ارزش زن در برابر مرد بالا رود.<sup>۴</sup>

۴. شهید مطهری، مسأله حجاب.



همه خوشی ها و کامیابی ها که در هوسرانی خلاصه نمی شود!

پوشش الهی یا حجاب، با در نظر گرفتن دیگر خواسته ها و مصلحت ها و هدف های زن و مرد، تنظیم و توصیه شده است؛ و گرنه با نبود و قطع نظر از دیگر مصالح خانواده و جامعه، همان برهنگی، آزادی حداکثری و سایر خواهش های حیوانی، بهتر بود.

اگر همه خوشیها، همه نیازها و همه کامیابی ها منحصر میشد در لذتهای شهوی، آزادی حداکثری و برهنگی بیشتر و آزادی جنسی بیشتر معقول بود. و لی آیا...؟

آیا انسان به عنوان برترین موجود، نیازها و اهداف دیگری ندارد؟





آیا زن و مرد و دختر و پسر، آرمانها و هدفهای دنیایی و اخروی دیگری ندارند؟

آیا افراد یک جامعه، نمی خواهند در علم و دانش، امور اقتصادی، ارزش های انسانی و... پیشرفت کنند؟

آیا با آزاد گذاشتن و رها کردن میل جنسی، مجاز شدن برهنگی و ارتباط آزاد زن و مرد، ممکن است به دیگر نیازها و هدف ها رسیدگی کرد؟

حالا که اهداف و نیازهای دیگری داریم یا می خواهیم، نمی توانیم همه چیز را بسپاریم به دست شهوت و هوس.

خانواده می‌خواهیم یا نمی‌خواهیم؟

اگر جمع و خانواده صمیمی می خواهیم، اگر خواهان این هستیم که زن و مرد بر سر پیمان



مقدس ازدواج بمانند، اگر نگران از هم پاشیدن خانواده ها بوده و از طلاق های پر شمار ناراحتیم و اگر آرزو داریم نگاه و توجه و محبت مرد و زن به همسر باشد و نه دیگران، پس ...

پس ضروری است که فضای عمومی و خارج از خانه، از هر گونه تحریک های جنسی و جلوه های سمعی و بصری شهوی، خالی باشد.

### زمانی که برهنگی و بدحجابی، مد و ارزش شد...

زمانی که زنان و دختران و حتی پسران با آرایش و آشکار نمودن زیبایی های جنسی و بدنی، وارد جامعه و فضای عمومی شوند، نگاه، توجه و بالاخره خواست مردهای متأهل، محدود به همسر و خانواده نخواهد شد و کم کم بنای محکم خانواده، سست خواهد شد.

**یک پرسش:** به راستی چرا برخی از مردها با داشتن چند فرزند و یک زندگی صمیمی، کم کم رفتارشان عوض شده و به بهانه نداشتن تفاهم، همه چیزها را رها کرده دنبال دختران جوان



میافتند؟ مگر او چه دیده و اصلاً چرا آن عشق سوزان کم کم سرد شد؟

ترویج برهنگی و فحشا، بهترین راه تهاجم!

میشل هولبک نویسنده معروف اسلام ستیز فرانسوی، در این باب، فاش می گوید: «ما از طریق زور نمی توانیم تندروی دینی را متوقف کنیم؛ بنابراین بهتر است مسلمانان را فاسد کنیم. نبرد علیه افراط گرایی اسلامی با کشتن مسلمانان میسر نیست و تنها می توان با به فساد کشاندن آنان به پیروزی رسید. باید به جای بمب، دامن های کوتاه و تعدادی گوشواره فرو بریزیم، چون ضعف واقعی مسلمانان در همین جاست.<sup>۵</sup>»

بهره برداری از هنر و هنرمند برای شایع نمودن بی عفتی...

مورخ معاصر، «رسول جعفریان» در این باره می نویسد: یکی از ابزارهای مهم طرفداران کشف

۵. سروش بانوان، ش ۱۷.

حجاب در ترویج بی‌حجابی، استفاده از ادبیات منظوم است. در این زمینه، شاعران نوگرا و متجدد، اشعار زیادی در ستایش از کشف حجاب سرودند و کوشیدند تا با استفاده از این زمینه ادبی، حجاب را تحت عنوان کفن تیره و سیاه و تعبیری مانند آن، تحقیر کرده و در میان مردم، سبک و آن را عامل انحطاط جامعه ایرانی نشان دهند.

سرایش شعر در نفی حجاب، از ایرج میرزا، عشقی و عارف شروع میشود و پس از کشف حجاب رسمی رضا شاه، بسیاری از شاعران حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای، برای خالی نبودن عریضه، قطعه‌ای در این باره می‌سرایند. به عنوان نمونه، میرزاده عشقی، روزنامه‌نگار و شاعر مشروطه و دوران پهلوی اول، در قطعه‌ای می‌گوید:

از حجاب است که این قوم خرابند خراب      این خرابی ز حجاب است که ناید به حساب

چیست این چادر و روبنده نازینده      گر کفن نیست بگو چیست پس این روبنده<sup>۶</sup>

۶. داستان حجاب در ایران پیش از انقلاب، رسول جعفریان، ص ۱۵۹ به بعد.



بد حجاب یا بی حجاب، بی دین نیست، اما...

دختر یا پسری که پوشش لازم و بایسته را رعایت نمی کند، بیدین نیست، اما یکی از توصیه های خداوند را نادیده می گیرد. زن یا مرد با ظاهر نمودن جلوه های سمعی و بصری جنسی و شهوی، امنیت و بهداشت روانی خود و دیگران را خواسته یا ناخواسته تهدید میکند.

به خاطر چند تار مو!

برخی میگویند: خدا بزرگتر و مهربانتر از آن است که به خاطر چند تار مو که بیرون از روسری مانده، کسی را مجازات کند. اصلاً بیرون افتادن چند تار مو به کجا ضرر میزند؟

پاسخ: انسان به طور طبیعی تمایل به جلوه گری و خودنمایی دارد و این خودنمایی و آشکار

کردن خویشتن، در هیچ حد و مرزی متوقف نمی شود. خواسته های هوس، بیشمار و همیشگی و حداکثری اند و نفس انسان با قناعت، بیگانه است. پس: بحث، سر چند تار مو نیست؛ مقصود این است که با جایز شمردن نمایش چند تار مو یا خوردن چند قطره شراب حرام، زمینه برای خودنمایی بیشتر و برای گناه و بدحجابی و سوء استفاده نفس فراهم می شود.

### چرا برخی به عفاف و پوشش دینی بی توجه اند؟

عوامل مختلفی میتواند داشته باشد؛ از جمله:

- ❖ آشنا نبودن با باورها و مبانی اسلام و آگاه نبودن به آثار مثبت عفاف و حجاب در جامعه.
- ❖ خود کم بینی و پیروی محض از دیگران. ایشان دائماً چشم و گوششان به دیگران است.



❖ انگیزه های سیاسی: مثلاً نوعی مقابله با ارزش های نظام اسلامی

❖ بهبود رتبه شخصیتی در میان شهروندان!!! یعنی چه؟

یعنی برخی با آرایش کامل و برجسته نمودن زیبایی های ظاهری و رسیدگی به جلوه های بصری، دنبال این هستند که جایگاه و رتبه شخصیتی و من واقعی خویش را بالا ببرند. یعنی توجه ها را جلب کنند. یعنی دیگران بیشتر به او و هویت او احترام گذاشته و تکریمش کنند!! ولی آیا...؟

آیا واقعاً با تزیین و آرایشِ سطح بیرونی خود، نگاه ها و توجه ها به «من» و «خود واقعی» بیشتر می شود؟

آیا همین فراوان کردن جلوه های جسمانی، باعث نمیشود که غالب مردم به حاشیه های من توجه کنند نه خود واقعی من؟ آیا من، جلب نظر میکند یا ظاهر من؟ آیا در این صورت، من دختر یا

پسر، خلاصه نمی شوم در لایه رویین و سطح ظاهری؟

و آیا در این صورت، ارزش من، وابسته به میزان خوشگلی نخواهد بود؟ و در واقع اگر برهنگی و آرایش ظاهری اصل و ارزش شود، تأمین نیازهای شهوی هوسرانها، اصیل خواهد شد. و شخصیت زنان از زاویه مردهای شهوتران، نمره قبولی یا رد خواهد گرفت.

لازمه سخنان گذشته این می شود که: رعایت عفاف و پوشش، باعث می شود «خود واقعی» زنان، مورد توجه قرار گیرد و پوشش دینی، سبب احترام، تکریم و بالا رفتن ارزش من انسانی می شود.





## کم شدن مصونیت و امنیت زنان و دختران...

یکی از آثار مثبت رعایت حجاب و عفاف، بالا بردن درجه امنیت جانی و ناموسی خانم‌هاست. به عبارتی، برهنگی و بدحجابی و ترک حیا و عفاف، اولین ضربه را به دختران و زنان وارد می‌کند. در یک جامعه، به هر میزان که برهنگی و بی‌حجابی، شیوع پیدا می‌کند، آمار حمله، اذیت و تجاوز به عنف بالا می‌رود. **یک محقق غربی**، در خصوص آثار زیانبار برهنگی و بی‌عفتی در سطح جامعه می‌گوید: بدیهی است وقتی اجازه دادیم هر کاری آزاد باشد، آزار جنسی، مزاحمت‌ها و تجاوزها هم افزایش پیدا می‌کند. جامعه‌ای که علیه شرم و حیا اعلام جنگ کرده، دشمن زنان است.<sup>۷</sup>

آری، دنیای کنونی، زن را در معرض نمایش گذاشت، اما نه تنها مردان و جامعه آرام نشده و شهوت‌ها سیر نشدند، بلکه عطش جنسی صد برابر شده و خیلی از جوانان غربی درنده‌تر

۷. رجوع شود به: فمینسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ص ۲۶، نوشته برخی محققان غربی.



شده اند.

یک فمینیست غربی می گوید: با آزادی بی قید بخشیدن به زنان، آزادی برای زنان زیاد نشد بلکه این دستور و حکم به آزادی زنان، ببند و باری مردان را زیاد کرد.<sup>۸</sup>

### آیا حجاب و پوشش دینی، از اختراعات اسلام است؟

به هیچ وجه چنین نیست. حجاب و پوشش در اغلب فرقه ها، مذاهب و تمدنها بوده است. ولی سبکی که اسلام برای پوشش دارد، دارای اعتدال بوده و به دور از افراط و تفریط است. اسلام نه سختگیری طالبانی را می پذیرد که زن باید در صندوق یا خانه زندانی باشد و نه آزادی بی قید و شرط لیبرالی را معقول می داند؛ بلکه اسلام، زن را یکی از دو رکن جامعه میداند که حضور و وجودش در میدان زندگی و عرصه های مختلف اجتماع ضروری است؛ اما این حضور

۸. همان.



در فضای عمومی، باید به دور از جلوه های زنانه باشد تا بهداشت روانی خود و دیگران مصون بماند.

به عنوان نمونه، در مسیحیت، همانند دین زرتشت و یهود، حجاب زنان امری واجب به شمار می آمده است. «جرجی زیدان»، دانشمند مسیحی در این باره می گوید: «اگر مقصود از حجاب، پوشانیدن تن و بدن است، این وضع، قبل از اسلام و حتی پیش از ظهور دین مسیح، معمول بوده است و آثار آن هنوز در خود اروپا باقی مانده است».

در این ارتباط، در انجیل می خوانیم: «و همچنین زنان خویشان را بیارایند به لباس مزین به حیا و پرهیز، نه به زلف ها و طلا و مروارید و رخت گرانبها...» (انجیل، رساله پولس به تیموناوس، باب دوم، فقره ۹-۱۵).

«همچنین ای زنان، شوهران خود را اطاعت نمایید تا اگر بعضی نیز مطیع کلام نشوند، سیرت زنان ایشان را بدون کلام دریابد، چون که سیرت طاهر و خدا ترس شما را ببینند. و شما را

زینت ظاهری نباشد از بافتن موی و متحلی شدن به طلا و پوشیدن لباس؛ بلکه انسانیت باطنی قلبی در لباس غیر فاسد روح حلیم و آرام که نزد خدا گرانبهاست. زیرا بدین گونه، زنان مقدسه در سابق نیز که متوکل به خدا بودند، خویشتن را زینت می نمودند و شوهران خود را اطاعت می کردند. مانند ساره که ابراهیم را مطیع بود و او را آقا میخواند و شما دختران او شده اید».

(انجیل، رساله پطرس رسول، باب سوم، فقره ۱-۶).

در روایات ما نیز چنین آمده است: «حضرت عیسی علیه السلام فرمود: از نگاه کردن به زنان بپرهیزید، زیرا شهوت را در قلب می رویاند و همین، برای ایجاد فتنه در شخص نگاه کننده کافی است».

(سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۹۶)

حواریون و پس از آنها پاپ ها و کاردینال های بزرگ که دستورهای دینی آنان از طرف کلیسا و مذهب مسیحیت لازم الاجرا شمرده میشد، با شدتی هرچه تمامتر زنان را به پوشش کامل و دوری از آرایش های جسمی فرا میخوانده اند.



## خاطره ای از یک دانشجو!!!

« سر کلاس، بحث این بود که چرا برخی از پسرهایی که هر روز بایک دختری ارتباط دارند، دنبال دختری که تا به حال با هیچ پسری ارتباط نداشته برای ازدواج می گردند! اصلاً برایمان قابل هضم نبود که چنین پسرهایی دنبال این طور دخترها برای زندگی شان باشند!

این وسط استادمان خاطره ای از خودش تعریف کرد.

ایشان تعریف میکردند من در فلان دانشگاه، مشاور دانشجویها بودم. روزی دختری که قبلاً هم با او کلاس داشتم وارد اتاقم شد. سر و وضع مناسبی از لحاظ حجاب نداشت. سر کلاس هم که بودیم مدام حرف های دیگران را به تمسخر میگرفت و با پسرها بحث میکرد و بگو بخند داشت. دختر شوخی بود و در عین حال، ظاهر شادی داشت.

سلام کرد و گفت: حاج آقا من میخواستم در مورد مسأله ای با شما صحبت کنم؛ اجازه هست؟



گفتم بفرمایید و شروع کرد به تعریف کردن:

«راستش حاج آقا توی کلاس، من خاطرِ یه پسر رو میخوام، ولی اصلاً روم همیشه بهش بگم. میخوام شما واسطه بشید و بهش بگید. آخه اونم مثل خود من، خیلی راحت باهام صحبت میکنه و شوخی میکنه. روحیاتمون به هم میخوره. با هم بگو بخند داریم. از چشم هاش معلومه اونم منو دوست داره؛ ولی من روم همیشه این قضیه رو بهش بگم. میخواستم شما واسطه بشید و این قضیه رو بهش بگید».

حرفش تمام شد و سریع به بهانه اینکه کلاسش دیر شده از من خداحافظی کرد و رفت.

در را نبسته، همان پسری که دختر به خاطر او با من سر صحبت رو باز کرده بود وارد اتاق شد. به خودم گفتم حتماً این هم به خاطر این دخترک آمده. چقدر خوب که خودش آمده و لازم هم نیست من بخوام نقش واسطه رو بازی کنم!



پسر، حرفش رو اینطور شروع کرد که:

«من در کلاسهایی که می‌رم، دختری چشم من رو بد جور گرفته، میخوام بهش درخواست ازدواج بدم، ولی اصلاً روم نمیشه و نمیدونم چطوری بهش بگم!»

بهش گفتم اون دختر کیه؟ گفت: «خانم فلانی!»

چشم هام گرد شد! دختری رو معرفی کرد که در دانشکده به «مریم مقدس» معروف بود!!

گفتم: تو که اصلاً به این دختر نمیخوری! من باهاش چندتا کلاس داشتم؛ این دختر خیلی سرسنگین و سر به زیره؛ بی زبونی و حیایی که اون داره من تا الان توی هیچ کدوم از دخترهای این دانشکده ندیدم؛ ولی تو ماشاءالله روابط عمومیت بیسته! فکر میکنم خانم فلانی (همون دختری که قبل از این پسر وارد اتاق شد و از من خواست واسطه میان او و این پسر شوم) بیشتر مناسب شما باشه.



نگذاشت حرفم تمام شود و شروع کرد به پاسخ دادن:

«من از دخترهایی که خیلی راحت با نامحرم ارتباط برقرار میکنند بدم میاد. من دوست دارم زن زندگی ام فقط مال خودم باشه. دوست دارم بگو بخند هاشو فقط با مرد زندگیش بکنه، زیبایی هاش فقط مال مرد زندگیش باشه، همه درد و دل هاشو با مرد زندگیش بکنه. حالا شما به من بگید با دختری که همین الان و قبل از ازدواج هیچی برای مرد آینده اش جا نداشته من چطوری میتونم باهاش زندگی کنم!؟»

من همون دختر سر به زیر سرسنگینی رو میخوام که لبخندشو هیچ مردی ندیده؛ همون دختری رو میخوام که میره ته کلاس میشینه و حواسش به جای اینکه به این باشه که کدوم پسر حرفی میزنه تا جوابش رو بده، شیش دنگ به درسش و نمراتش عالی! همون دختری که حجب و حیاش باعث شده هیچ مردی به خودش اجازه نده باهاش شوخی کنه و من هم به خاطر همین مزاحم شما شدم؛ چون اونقدر با وقاره که اصلاً به خودم جرأت ندادم مستقیم درخواستم رو بگم.»